"نظرگاه"[1] عنصر اصلی تصویر شده از باغ در نگاره‌های نمایش‌دهنده باغ ایرانی

سعیده تیموری گرده*
وحید حیدرنتاج**

چکیده
باغ و باغ‌سازی متضمن معانی بسیاری در فرهنگ ایرانی است، به‌طوری‌که عالم ایرانی همواره آکنده از مظاهر باغ و طبیعت بوده است. باغ ایرانی را می‌توان زیباترین محصول منتج از اصول زیبایی‌شناسی و طبیعت‌گرایی فرهنگ ایرانی دانست که مفهوم آن در بسیاری از هنرهای این سرزمین نظیر سفالینه، کاشیکاری، قالی‌بافی، موسیقی، شعر، ادب فارسی و نگارگری متجلی شده است. از این میان هنر نگارگری یکی از مهم‌ترین جولانگاه‌های تصویرسازی‌های متعدد از باغ ایرانی بوده است. هنر نگارگری تاکنون از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته و پژوهش‌های بسیاری در زمینه هنرهای زیبا به بررسی و تحلیل نگاره‌ها در زمینه‌های مختلف زیباشناختی، فنی، تاریخی و ... از نقطه نظر هنر نقاشی پرداخته‌اند. اما آنچه در پژوهش حاضر مورد نظر است بررسی رابطه میان هنر نگارگری و باغ ایرانی از دیدگاه معماری منظر ایرانی است، چرا که به علت فقدان تحقیقات کافی در این زمینه، چنین مقالاتی توانایی بالقوه‌ای در خلق فرضیات بدیع‌تر در رابطه با نگاره‌های نمایش‌دهنده باغ ایرانی و کمک به توسعه اطلاعات از باغ ایرانی در دوره‌های مختلف تاریخی دارند. هدف این پژوهش شناسایی جلوه‌های اصلی تصویر شده از باغ ایرانی در نگاره‌های مرتبط با باغ است. برای دستیابی به هدف پژوهش به بررسی تعدادی از نگاره‌ها در دوره‌های مختلف تاریخی پرداخته شد تا از نگرش تک‌بعدی به یک دوره خاص جلوگیری شود. تغییرات جزیی در مفهوم و طرح باغ ایرانی در دوره‌های مختلف مانعی در بررسی نگاره‌ها به صورت همزمان ایجاد نمی‌کند چرا که باغ ایرانی در تمام ادوار تاریخی برای انسان ایرانی دارای شکل و مفهوم تقریباً ثابتی بوده است. پرسش مقاله حاضر این است که "کدام فضا یا عنصر از باغ ایرانی بیشترین تجلی را در نگاره‌های باغ داشته است؟"، برای پاسخ به این پرسش ابتدا فضا، طبیعت و باغ در نگارگری به عنوان زیربنای تحقیق مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه با تحلیل ده نگاره و انطباق ویژگی‌های آنها با اطلاعات و اسناد کتابخانه‌ای و روش توصیفی- تحلیلی انواع نمایش باغ ایرانی در نگاره‌های باغ به سه دسته ۱. باغ کوشک ۲. باغ چادر ۳. کوشک؛ همچون نظرگاه باغ به چشم‌اندازهای بیرونی دسته‌بندی شد و این‌چنین نتیجه‌گیری شد که از بین تمامی عناصر اصلی باغ ایرانی نظیر آب، پوشش گیاهی، انسان و ...، بنای نظرگاهی همچون کوشک، صفه، ایوان، بالکن و اشکوبه بیشترین حضور را در نگاره‌های مرتبط با نمایش باغ دارد، و فرضیه مقاله اثبات شد که "نظرگاه" مهم‌ترین عنصر تصویر شده از عناصر باغ ایرانی در نگاره‌های مرتبط است.

واژگان کلیدی
نگارگری، باغ ایرانی، طبیعت، دید و منظر، نظرگاه، کوشک و ایوان.

*. کارشناس ارشد معماری منظر. دانشگاه بین‌المللی امام‌خمینی قزوین. نویسنده مسئول ۰۹۱۲۵۶۱۱۲۲۷
sahar.teimouri@gmail.com
**. دکتری معماری. استادیار دانشگاه مازندران. v.nattaj@yahoo.com

Archive of SID
www.SID.ir

مقدمه

نگاره‌ها بخش مهمی از اسناد تاریخی و منابع تصویری گذشته‌اند. با توجه به اینکه نقاشان آنچه را در دوران خود دیده به تصویر کشیده‌اند، پس نمی‌توان این تصاویر را به طور کامل جدا از واقعیت فرض کرد. هرچند باید به عواملی نظیر شیوه‌های نگارگری در دوران مختلف، محدودیت‌های این نوع نقاشی و نوع نگرش هنرمند نقاش آن نیز توجه کرد. بنابراین در بررسی رابطه میان باغ و نگارگری ایرانی برای دستیابی به نتیجه مطلوب‌تر لازم است علاوه بر مراجعه به اسناد کتابخانه‌ای، تعدادی از نگاره‌های مرتبط به بحث نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

ویلبر (۱۷:۱۳۸۷) می‌گوید : "هنرمندان ایرانی فواره‌ها، استخرها، کوشک‌ها، کاخ‌ها، گیاهان، درختان و سبزه‌ها را به دقت نقاشی کرده‌اند؛ ولی در این کار به نشان دادن جنبه‌های آنی و زودگذر موضوع‌های نقاشی اکتفا ورزیده و باغ را چنان‌که در مواقع خاص مورد توجه اشخاص به خصوصی قرار می‌گرفته است، نشان داده‌اند. چیزی که این پروژه‌ها فاقد آن‌اند، تهیه دورنمایی است از باغ‌ها و کاخ‌ها و نمایش طرح کلی، و سرانجام ایجاد رابطه میان جزییات و ترکیبات بزرگ‌تر.

علاقه نقاشان ایرانی به باغ را از آنجا می‌توان استنباط کرد که با چه تفصیلی گل‌ها و بوته‌های گل و درختان پرشکوفه را نقش کرده‌اند". بنابراین رجوع و استفاده از برخی نگاره‌ها برای شناسایی طرح کلی باغ در دوره‌های مختلف امری مشکل خواهد بود چرا که این نگاره‌ها اطلاعات مفیدی از طرح کلی باغ نمی‌دهند و در بررسی جزییات باغ موفق‌ترند. او در جای دیگر می‌گوید : "بسیار جای تأسف است که نقاشان ایرانی هرگز درصدد برنیامدند جنبه‌های مختلف باغ را با یک منظره کلی ارتباط دهند، به همین جهت در اینجا منظره کلی و یا دورنمای باغ‌ها به هیچ وجه یافت نمی‌شود؛ همان‌طور که منظره کوشک‌ها نسبت به تمام باغ یافت نمی‌گردد" (همان : ۵۱). اینجاست که سؤال اولیه تحقیق پیش رو مطرح می‌شود که "آیا اساساً نگارگر ایرانی برای نشان‌دادن منظور خود از باغ ایرانی لزومی به بازنمایی عین به عین و ظاهری باغ ایرانی با همه عناصر و هندسه حاکم بر آن داشته است و یا اینکه اصولاً وجود برخی از ویژگی‌ها و شاخصه‌های برجسته باغ ایرانی در این نگاره‌ها می‌تواند دلیلی قانع‌کننده در اثبات هدف نگارگر از تصویرسازی باغ ایرانی باشد؟"

در نهایت اینکه سؤال اصلی مقاله "مهم‌ترین فضا یا عنصر تصویر شده از باغ ایرانی در نگاره‌های باغ چیست؟" شکل می‌گیرد. این پژوهش درصدد است که با انطباق مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل تعدادی از نگاره‌ها، اثبات کند "نظرگاه" که از مهم‌ترین عناصر باغ ایرانی است، جلوه اصلی تصویرسازی از باغ ایرانی در نگاره‌های مرتبط است.

لازم به ذکر است، مقاله حاضر با توجه به ماهیت کیفی‌اش در بررسی تعداد محدودی از نگاره‌ها، قصد تعمیم نتایج به تمامی نگاره‌ها را ندارد. بلکه هدف از انجام این پژوهش، خلق فرضیه جدید در موضوع ارتباط باغ ایرانی و نگارگری است تا زمینه تحقیقات بزرگ‌تری را ممکن سازد.

فرضیه

در بسیاری از نگاره‌های مربوط به نمایش فضاهای داخلی نظیر خانه، عمارت، کاخ و ... بخش غالب نگاره را بنا و افراد حاضر در آن تشکیل می‌دهند. این نگاره‌ها از نگاره‌های مرتبط به فضاهای بیرونی و علی‌الخصوص نگاره‌هایی که قصد نمایش یک باغ را دارند کاملاً متفاوت و قابل شناسایی هستند.

در اکثر نگاره‌های نمایش‌دهنده فضاهای بیرونی، بنای "نظرگاه" همچون عنصری مشترک، نقش اصلی و برجسته‌ای را در اکثر تصاویر ایفا می‌کند.

به نظر می‌رسد در اکثر نگاره‌های نمایش‌دهنده باغ به هیچ وجه تصویرسازی از طرح کلی باغ همراه با محورها و ویژگی‌های هندسی آن مد نظر نگارگر نبوده و او در پی تقلید یا تصویرسازی عین به عین از باغ ایرانی نیست.

بلکه در نگاره‌های مختلف از باغ، هنرمند با بیشترین تصویرسازی‌ها از کوشک و ایوان به عنوان یکی از اساسی‌ترین عناصر سازنده باغ ایرانی در بهره‌گیری از چشم‌اندازهای بیرونی و درونی، قصد نمایش متفاوت و جزیی‌تری از باغ ایرانی را داشته است. بنابراین مقاله بر این فرض است که "نظرگاه" مهم‌ترین عنصر تصویر شده از باغ ایرانی در نگارگری است.

پیشینه تحقیق

همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان شد اهمیت و جایگاه باغ و نگارگری ایرانی در فرهنگ، ادبیات، هنر و معماری ایرانی، و تأثیر و تأثر آن بر فرهنگ‌های دیگر بر کسی پوشیده نیست. به همین جهت تحقیقات متعددی پیرامون دو مبحث باغ ایرانی و هنر نگارگری به صورت جداگانه انجام گرفته است. این تحقیقات متعدد در مورد باغ ایرانی در حوزه معماری و معماری منظر به بررسی، شناخت و تحلیل باغ ایرانی از نقطه نظرات مختلف تاریخی، فرهنگی، زیبایی‌شناسی، اقلیمی و ... پرداخته است. همچنین پژوهش‌های بسیاری نیز درباره هنر نگارگری بیشتر در حوزه نقاشی و پژوهش هنر به بررسی، شناخت و تحلیل نمونه‌های موردی مینیاتورها، تاریخ، سبک و ... آنها پرداخته است که نام بردن از تمام این مقالات در این بحث نمی‌گنجد.

اما نکته اینجاست که تحقیقات بسیار اندکی پیرامون ارتباطات احتمالی دو هنر معماری و نگارگری صورت پذیرفته است. از آن جمله می‌توان به مقالاتی همچون؛ "فضاهای معماری و شهری در نگارگری ایرانی"(سلطان‌زاده،۱۳۸۷)، "تقابل فضا در نگارگری و معماری ایرانی با نگرشی موضوعی به اقلیم هشتم"(پروا،۱۳۸۲)، "زبان معمارانه نگاره‌های ایرانی (بررسی ویژگی‌های نگاره‌های ایرانی به عنوان اسناد تاریخی معماری اسلامی ایران)" (فروتن،۱۳۸۹)، "فضای اجرای موسیقی در مینیاتور ایرانی"(ثابتی،۱۳۸۱) اشاره کرد. در نتیجه به اختصار می‌توان گفت که این مقالات اندک نیز در حوزه خود به بررسی‌های ارتباط معماری با نگارگری پرداخته‌اند نه هنر باغ‌سازی با نگارگری. بنابراین در جهت اثبات فرضیه مقاله و وجود ارتباط بین باغ ایرانی با نگاره‌های بررسی شده، می‌توان

Archive of SID

استفاده بسیار اندکی از مقالات ذکر شده کرد. به عبارتی این پژوهش اولین تلاش علمی در این زمینه است که با بهره‌گیری از ادبیات و اسناد کتابخانه‌ای فراوان در دو زمینه مجزای باغ ایرانی و نگارگری، و ارتباط این اطلاعات به هم و بررسی تعدادی نگاره مرتبط با باغ تلاش در شروع تحقیقات علمی در این زمینه بدیع دارد.

فضا، طبیعت، و باغ در نگارگری ایرانی

نگارگری به عکس سبک‌های نقاشی غربی، فضایی نامشخص برای انسان تصویر می‌کند؛ "فضایی که در آن بیننده خود را بخشی از موضوع قرار داده و مخاطب خود سوژه‌ای برای هنرمند می‌گردد، بی‌شک تنها می‌توان این‌گونه فضاسازی را در هنر نگارگری ایرانی یافت زیرا در هنر نقاشی غرب، هنرمند به دنبال انتقال احساس فردی به مخاطب است" (پروا، ۱۳۸۲: ۳۰۹). اما تمامی تلاش نگارگر ایرانی حذف موجودیت مستقل خویش در جهت رسیدن به خود پدیده‌هاست. در واقع هنرمند نگارگر، نه تنها مخاطب خود را نادیده نمی‌گیرد بلکه روایت را برای بیننده به تصویر درمی‌آورد و از هیچ ریزه‌کاری دریغ نمی‌کند.

چنین است که او ترسیم "نظرگاه" را در نگاره‌های باغ به مثابه دریچه‌ای به چشم‌اندازهای زیبای باغ ایرانی دانسته و با نگاهی نو، مخاطب را به تفکر، نظاره و گردش در باغ فرا می‌خواند. نگارگر ایرانی در فضایی نمادین به آفرینش می‌پردازد؛ "بر این اساس، گاه به شیوهٔ مجرد و انتزاعی، گاه ملهم از واقعیت و گاهی با اغراق در ویژگی‌های واقعی و زمانی با ترکیب ویژگی‌های مختلف، نقوش خاصی را با عملکردهای متفاوت به منصهٔ ظهور رسانده است" (کفشچیان مقدم و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۵).

او چندان در پی تقلید از فضای سه‌بعدی و نمایش نور، سایه، شکل و رنگ واقعی اشیاء نبوده، هر چیز را با ساده‌ترین خطوط و خالص‌ترین رنگ‌ها به صورتی چکیده و نمادپردازانه به نمایش در آورده و دنیای سه‌بعدی را به تصویر دو بعدی تقلیل داده است. "آنچه این نگاره‌ها را به هم مربوط می‌کند، عدم رغبت هنرمند ایرانی به تقلید از طبیعت و تأکید او بر بیان مفاهیم ذهنی و نمادین است. ازاین‌رو می‌توان چکیده‌نگاری، تزیین و انتزاع را از خصلت‌های عام نقاشی ایرانی دانست" (پاکباز، ۱۳۷۸: ۵۷۶). بنابراین اینکه قصد نگارگر از نمایش یک باغ ایرانی تنها با ترسیم طرح کامل باغ با هندسه و خطوط کلی‌اش تحقق یابد، توقع بی‌اساسی است. زیرا همان‌طور که گفته شد تمایل نگارگر بیشتر به چکیده‌نگاری و عدم تقلید صرف است. در نتیجه این امر که عنصر اصلی تصویر شده از باغ ایرانی در نگاره‌ها کوشک و دیگر عناصر نظرگاهی باغ ایرانی باشد، بسیار محتمل‌تر از دیگر عناصر و ویژگی‌های باغ ایرانی است.

برای درک یک نقاشی ایرانی می‌بایست پیش‌داوری غربی را مانند آنچه توسط ویلبر پیش‌تر بیان شد، کنار گذاشت. ایرانیان با آزادی بیشتر و باهدفی خاص، به انتزاع عناصر طبیعت می‌پرداختند. شاخه‌ای به شکوفه نشسته در دوردست، لکه‌ای سفید یا صورتی است و نقاش امپرسیونیست هم آن را چنین نقاشی می‌کند "اما برای ایرانی شکوه آن در ظرافت و لطافت بندبند شکلش نهفته است، از همین رو نقاش پیروزمندانه شاخه را از دوردست به پیش چشم می‌آورد" (بینیون، ۱۳۸۵: ۲۱۷۷-۲۱۷۶).

شاید به همین دلیل باشد که نگاره‌های باغ ایرانی بیشتر از توجه به طرح و هندسه کلی باغ که ویژگی مشخص باغ ایرانی نیز هست، به جزییات گیاهان، آب و کوشک باغ توجه کرده و به تصویر کشیده‌اند. "ایرانیان همان‌قدر که به آراستن فضای داخلی توجه داشتند به آراستن فضاهای بیرونی نیز می‌پرداختند.

عناصر طبیعی را در همه شئون زندگی به خدمت می‌گرفتند، برای مثال طراحی خانه‌های ایرانی طوری بود که پنجره‌ها، ایوان و اتاق‌های نشیمن رو به طبیعت و حیاط طراحی‌شده باز می‌شد" (جوادی،۱۳۸۳: ۳۰).

بنابراین این نیز واضح است که برای ایرانیان کوشک و دیگر عناصر نظرگاهی همواره با حضور طبیعت و باغ معنادار بوده و وجود یکی گواه بر حضور دیگری است. همان‌طور که در بسیاری از نگاره‌های مربوط به باغ و فضای بیرونی ارتباط تنگاتنگ کوشک و طبیعت دیده می‌شود.

یکی از عناصر طبیعت در نگارگری ایرانی باغی است که به‌زعم بسیاری از صاحب‌نظران تمثیلی از بهشت گمشده خداوند در زمین است. به قول «گودرزی»، "هدف اصلی در هنر اسلامی، تقلید یا توصیف طبیعت نیست، بلکه نمایش خیال‌انگیز، شاعرانه و نمادین انسان، طبیعت و محیط اوست." (گودرزی و همکاران، ۱۳۸۶) برای فرد ایرانی، نگارگری هنری نیست که تنها به نمایش درآید، بلکه مشارکت جستن تمام حواس وی در تمتع از آن، شرط اصلی است همانند فضای باغ.

مگر نه اینکه باغ ایرانی نیز، جز صحنه‌ای برگزیده، برای بهره‌مندی تمامی حواس انسان است؟

"باغ حسی بیش از حس باصره را به برخورداری از مواهب خود فرا می‌خواند : بوی خوش گل‌ها، گیاهان، مزه میوه‌های آویخته از درختان، نوازش مهرآمیز پوست و به ویژه موسیقی شاخسارها و برگ‌های آمیخته با جریان نهرها و ریزش فواره‌ها" (کورکیان و همکاران، ۱۳۷۷: ۶۶). پدیده باغ جزء لاینفک زندگی مردم ایران در تمام طبقات اجتماع بوده و در تمام رشته‌های هنر اثر گذاشته است. در هنر نقاشی، به ویژه در مینیاتورهای ایران، صحنه‌ها مشحون از نمایش باغچه و گلزار است. بسیاری بر این عقیده‌اند که "تصاویر طبیعت موجود در مینیاتورهای ایرانی، تصاویری از باغ‌های ایرانی‌اند که در واقع نمود و بازتابی از بهشت بر روی زمینند." (شایگان، ۱۳۷۹؛ کلارک،۱۳۷۰؛ نامور مطلق، ۱۳۸۲؛ پورجوادی، ۱۳۷۵)

باغ ایرانی پدیده‌ای است محصول ترکیب موزون سه عنصر گیاه، جلوه‌های آب و ابنیه در نظام هندسی خاص. «عالمی» (۱۳۸۷: ۶۴) معتقد است : "مفهوم باغ با طرح استقرار یا طرح فضایی خاصی ملازم نبود؛ بلکه بیشتر حس پیوند با طبیعت بکر و پرداختن به فعالیت‌های اجتماعی را ممکن می‌کرد" و «منصوری» (۱۳۸۴: ۶۱) طبیعت را در باغ ایرانی زمینه‌ای برای لذت انسان می‌داند.

در مجموع در نگارگری ایرانی نیز همانند باغ می‌توان همراهی عناصر طبیعی، اجتماع افراد در باغ، آرایه‌های معماری ایرانی و ترکیب فضا و منظر را با خصلت‌های فرهنگی در زیباترین شکل مشاهده کرد. اما آنچه در این نگاره‌ها بیشتر نظر را به خود جلب

Archive of SID

www.SID.ir

می‌کند، توجه بیشتر نگارگر به عنصر کوشک باغ ایرانی بیشتر از سایر عناصر ذکر شده است. چنان‌که به نظر می‌رسد نظرگاه عنصر اصلی تصویر شده از باغ ایرانی در نگاره‌های باغ باشد.

شناخت باغ ایرانی با استناد به اسناد تصویری نگارگری

"برای شناخت تصویر باغ ایرانی در نزد سازندگان و ساکنان اصیل آن، نگاره‌های ایرانی از بهترین مراجع‌اند. در این نگاره‌ها، نظمی را که در نگاه امروزی ما از باغ ایرانی بسیار برجسته است، نمی‌یابیم؛ بلکه به جای آن چیزی از جنس گلگشت و تفرجی بدور از هندسه منظم می‌بینیم، البته نمی‌توان منکر منظم بودن باغ ایرانی شد. امروز در هنگام سخن گفتن از آثار معماری گذشته، تنها به جسم به جا مانده از آنها توجه می‌کنیم و زندگی جاری در آنها را نادیده می‌گیریم." (بهشتی،۱۳۸۷: ۱۰) باغ را باید با توجه به نوع فعالیت‌هایی درک کرد که در طبیعت ممکن می‌سازد؛ نه آن‌طور که بسیاری از مورخان غربی باغ از ظاهر به جا مانده آن. در نتیجه نباید از حضور طبیعت بکر در باغ متعجب شویم.

"تصور باغ‌های ایران باستان به مثابه باغ‌های کاملاً هندسی با طرح پنج کاشت[۲](چهار باغچه در چهارگوشه مربع و یکی در مرکز آن) تصوری قالبی است که تنها به خبر گزنفون متکی است" (عالمی،۱۳۸۷: ۵۷ و۵۴).

نگاره‌ها نمی‌توانند تمامیت باغ ایرانی با فضا و هندسه ویژه آن را به نمایش بگذارند چرا که بازنمایی ساختار باغ در نگاره‌های ایرانی، به رغم اینکه غالباً تصویری از فضای باغ و جزییات معماری مهمی همچون کوشک را می‌کند، امری تقریباً ناممکن است، و پرداختن بیش از حد نگارگر به مهم‌ترین بخش از عناصر باغ ایرانی یعنی بنای نظرگاهی نکته‌ای در راستای اثبات فرضیه مقاله است. با مقایسه نقاشی‌ها و ترسیم‌های معماری به‌عنوان بازنمایی‌های فضا در یک دوره تاریخی و بناها و فضاهای شهری که تحقق اندیشه‌های معماری و شهرسازی هستند، می‌توان به بخشی از درک فضایی دوره موردنظر قایل شد. به‌علاوه موضوع هر نگاره نیز عامل بسیار مهمی در تعیین چگونگی توجه به فضاهای مصنوع یا طبیعی است. از آنجایی که "موضوع بسیاری از نگاره‌ها درباره رویدادها و مباحثی بوده که با پادشاهان، حکام و بزرگان کشوری و شهری مرتبط بوده است و فضاهای دیوانی، حکومتی و تشریفاتی به طور معمول غالباً در باغ‌ها قرار داشت. به همین سبب در بسیاری از نگاره‌ها از فضای کوشک که درون باغی قرار داشته، استفاده می‌شده است" (سلطان‌زاده، ۱۳۸۷: ۷۲).

پس می‌توان مینیاتورها را یکی از اسناد بسیار مناسب برای شناخت شماری از ویژگی‌های باغ به شمار آورد، زیرا در برخی از آنها به بعضی جنبه‌های باغ از جمله فضای کوشک بسیار توجه شده است. در این راستا، نگاره‌هایی که در آنها، خانه یا فضای داخلی عمارت و درکل فضاهای درونی نشان داده شده‌اند با نگاره‌هایی که قصد نمایش باغ و فضاهای بیرونی را دارند، بسیار متفاوت و قابل تشخیصند.

بدین ترتیب که در نگاره‌های دسته نخست، بخش اعظم نگاره شامل معماری خانه، عمارت، نما و جداره‌های بناست. در حالی که دسته دوم، تصویر فضاهای بیرونی از قبیل ترکیب بیرونی بنای معماری، بالکن، حیاط، ایوان ستون‌دار، انواع کوشک‌ها و عمارت‌های دارای گنبد، کوشک باغ و برخی فضاهای شهری و برون‌شهری است که به کرات در نگاره‌های ایرانی تصویر شده و بخش اعظم نگاره شامل فضای سبز و طبیعت یا فضای بیرونی است. تمام دسته دوم به نحوی در ارتباط با طبیعت، باغ ایرانی و ویژگی‌های آنند. در واقع، ایوان، این عنصر ارتباطی مشترک است که در کوشک باغ ایرانی و هر بنای نظرگاهی دیگر در اغلب نگاره‌های مرتبط به باغ خودنمایی می‌کند.

در باغ ایرانی، بناهایی اقامت در باغ و استفاده از مناظر زیبای آن را میسر می‌کند.[۳] برخی گفته‌اند که "ایرانیان بیش از گردش در باغ، به نشستن در مکانی برای تماشای مناظر آن علاقه‌مندند."[۴] (علائی،۱۳۸۷: ۵۵) در مینیاتور "منظره و بهره‌گیری از آن با نشستن در جوار عناصر طبیعی مهم بوده است. بنابراین برای ارتباط بیشتر با طبیعت از عنصر واسط بیرون و درون مانند ایوان و تالار در عمارت‌ها استفاده می‌شد" (حیدرنتاج، ۱۳۸۹).

یکی از ویژگی‌های اصلی باغ ایرانی ایجاد موقعیتی برای برخورداری از دید و منظر عمیق و گسترده است. می‌توان این چشم‌انداز را به دو نوع چشم‌انداز محور اصلی باغ و چشم‌اندازهای دور باغ تقسیم کرد. عناصری مانند جوی آب، کف‌سازی، درختان و کوشک، عناصر ثابت این تصاویرند که دقیقاً در نگاره‌های باغ نیز به چشم می‌خورند. هرچند خطوط کلی و هندسه راست‌گوشه باغ ایرانی در این نگاره‌ها مشخص نیست ولی صفه مفروش، دست‌انداز محصورکننده آن و حوض روبروی عمارت، از عناصر ثابت همراه کوشک هستند که در نگاره‌های باغ بخش وسیعی از تصویر را به خود اختصاص داده‌اند. در واقع می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که جلوه باغ ایرانی در نگاره‌های باغ غیر محسوس و به صورت بهره‌گیری از چشم‌اندازهای باغ، خود را بروز داده است.

این چشم‌اندازها که نشانه‌هایی از باغ ایرانی را به نمایش می‌گذارند، در نگاره‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول : چشم‌انداز درونی باغ، استفاده از ایوان در عمارت اصلی باغ در جهت یا جهاتی است که دید به درون باغ داشته و با توجه به قابلیت‌های محیطی سایت، دیدهای مناسبی نیز به محیط خارج از باغ داشته باشد.

دسته دوم : چشم‌اندازهای بی‌کران و دید به مناظر طبیعی بیرونی از ایوان است که ارتباط نزدیکی بین انسان و طبیعت در باغ ایرانی پدید می‌آورد.

این منظر همان طبیعت بکر و کوه‌های پیچان تصویر شده در پس کوشک باغ است. چنین نگاره‌هایی مبین وحدت و همبستگی میان باغ به منزلهٔ مکانی محصور و توأماً به منزلهٔ فضایی مشرف به کوه‌ها و مناظر بکر دوردست است. به اختصار، همانند هنگام حضور در باغ، در نگاره‌های باغ نیز می‌توانیم به جای طرح و هندسه کلی آن برخی از عناصر و ویژگی‌های باغ – نظیر تالار، تخت، ایوان، حوض یا استخر و ... – را بیشتر درک کنیم که کوشک یکی از مهم‌ترین آنهاست و جایگاهی سایه‌سار برای تماشای باغ ایجاد می‌کند. بنابراین می‌توان گفت درک مشترکی از فضای باغ از دید ناظر و استفاده‌کننده آن، با تصویر ارایه‌شده از باغ

Archive of SID

توسط نگارگران وجود دارد. در هر دو، کوشک باغ همچون عنصری مهم و واسطِ برای استفاده از منظر زیبای باغ ایرانی ساخته شده است. نتیجتاً چنین است که "نظرگاه" به مهم‌ترین جلوه تصویر شده از باغ در نگاره‌ها بدل شده است.

تحلیل نگاره‌های باغ

در بسیاری از نگاره‌ها که به فضای باغ توجه شده است هدف اصلی نگارگر روایت یک رویداد، داستان یا اسطوره بوده و به همین سبب غالباً فضای معماری به‌صورت ثانوی و ضمنی مورد توجه قرار گرفته است. در حالی که در برخی دیگر از آثار، بیشترین سطح نگاره به فضای معماری اختصاص یافته و برای نشان‌دادن باغ تنها به ترسیم چند درخت و یا قسمت کوچکی از باغ اکتفا شده است. در برخی دیگر نیز تنها یک آلاچیق به‌عنوان فضای مصنوع در فضای سبز ترسیم شده است.

براساس آنچه تاکنون در ارتباط با ویژگی‌های مشترک بین باغ ایرانی و نگاره‌های آن ذکر شد، می‌توان نمایش باغ در نگاره‌ها را به سه گونه کلی دسته‌بندی کرد.

۱. باغ کوشک : بخش اعظم این نگاره‌ها به بنای معماری یا همان کوشک اختصاص داده شده، ولی طبیعت و فضای سبز موجود در این نگاره‌ها نیز قابل توجه و متفاوت از نگاره‌های مرتبط به فضاهای داخلی است. گونه نخست می‌تواند مبنی بر قصد نگارگر در ترسیم باغ کوشک باشد که "سابقه‌ای دیرینه در معماری منظر ایران داشته است. البته تمامی گونه‌های دیگر باغ ایرانی نیز پاسخ منطقی در جهت ارتباط بین انسان و طبیعت بوده‌اند" (حیدر نتاج، ۱۳۸۹: ۵۸) به راحتی می‌توان ارتباط تنگاتنگ بنا با طبیعت و عناصر طبیعی نظیر آب و پوشش گیاهی را در این نگاره‌ها مشاهده کرد (تصویر ۱ تا ۴).

همان‌گونه که در این چهار نگاره مشاهده شد، کوشک به عنوان یکی از عناصر اصلی باغ ایرانی با ویژگی نظرگاهی خود شاخص‌ترین عنصر تصویر است که همراه با سایر عناصر ثابت باغ ایرانی چون حوض و جوی‌هایِ آب، صفه مفروش روبروی عمارت، پوشش گیاهی و مخصوصاً درختان سرو نوک‌تیز بخش اعظم نگاره‌ها را به خود اختصاص داده است. جبهه اصلی عمارت و ایوان رو به حوض آب، قصد نمایش بخش مهمی از باغ ایرانی را دارد که همواره با حضور و فعالیت استفاده‌کنندگان و زندگی جاری در آن معنادار بوده است.

۲.گونه دوم نمایش باغ در نگاره‌ها؛ باغ چادر: در این دسته از نگاره‌ها، تنها فضای مصنوع موجود در نگاره، آلاچیق یا بنای موقت کوچکی است که حاکی از عنصر چادر در باغ ایرانی است. باغ چادر که بیشتر مورد توجه ایلخانان مغول بوده، گونه‌ای از باغ ایرانی است با یک عنصر ساده و سبک معماری که "بیشتر برای ایجاد فضایی سرپوشیده و پدید آوردن سایه و نیز ایجاد فضا و جایگاهی تشریفاتی که هم از سطح زمین بلندتر باشد و هم از عرصه استقرار مردم متمایز شود، طراحی و ساخته می‌شد" (سلطان‌زاده،۱۳۸۷: ۱۳۰). معماری این‌گونه عناصر موقت در زندگی جاری در باغ‌های ایرانی اهمیت دارد. "

حضور معماری موقت در باغ ایرانی را هم در آثار نگارگران متقدم می‌بینیم و هم در عکس‌های متأخر." (بهشتی،۱۳۸۷: ۱۱) یکی از مهم‌ترین دلایل وجودی چادر در باغ به صورت موقت، استقرار در فضاهای مطبوع باغ در شرایط و فصول مختلف است. این‌گونه نسبت به گونه اول دارای انعطاف‌پذیری بیشتری در انتخاب منظره مطلوب است. در نگاره‌های این دسته مشاهده می‌شود که علاوه بر آلاچیق (کوشک موقت) به عنوان عنصر اصلی نگاره، عناصر دیگری از باغ ایرانی اعم از آب، پوشش گیاهی و در مواردی حصار باغ یا دروازه ورود به آن نیز تصویر شده است. در هیچ‌کدام از این نگاره‌ها کلیت و نظم رایج در باغ ایرانی قابل دریافت نیست بلکه بیشتر طبیعت باغ و حضور افراد برای لذت از جلوه‌های آن با بهره‌گیری از بنای نظرگاهی موقت، جلب توجه می‌کند.

دقت در چهار نگاره فوق نشان می‌دهد که آلاچیق یا چادر به عنوان یک نظرگاه موقت در فضاهای مختلف باغ برای بهره‌گیری از منظره مطلوب یا بهترین منظره باغ در فصول مختلف نصب می‌شد. و این ویژگی که می‌توان آن را در هر جای باغ، چه در مرکز،چه در حاشیه و یا حتی در بین انبوه درختان دید حاکی از این نکته است. ویژگی دیگر تصاویر نمایش کوشک موقت بروی سکو یا صفه با دید به همه جهات برای بهره‌مندی از دید و منظر وسیع‌تری از باغ است (یکی از ویژگی‌های اصیل باغ ایرانی) که با وجود تنوع در شکل آلاچیق‌ها، در همه آنها مشترک است. در این چهار نمونه نیز نظرگاه‌های موقت باغ، اساسی‌ترین عنصر تصویر شده از باغ ایرانی در این نگاره‌ها هستند.

۳. گونه سوم نمایش باغ در نگاره‌ها؛ کوشک همچون نظرگاه باغ به چشم‌اندازهای بیرونی: در این نگاره‌ها بنای اصلی کوشک بخش عمده نگاره را به خود اختصاص داده است. علاوه بر نمایش مختصری از درون باغ، توجه بیشتر به چشم‌اندازها و طبیعت بیرون از باغ است. در این‌گونه، ترسیم حالت نظرگاهی عمارت باغ، بیشتر مد نظر بوده است با این تفاوت از بقیه گونه‌ها که جهت بهره‌مندی از دید و منظر وسیع بیرونی، عمارت کوشک نیز مرتفع‌تر و کامل‌تر نقش زده شده است. شخص ناظر که در طبقه فوقانی کوشک است علاوه بر دیدن منظره داخلی باغ، اشراف کامل بر منظره بیرونی نیز دارد. چنان‌که هدف اصلی از ایجاد باغ ایرانی نیز ایجاد فضایی توأمان برای تماشا و لذت است.

در این‌گونه از نگاره‌ها علاوه بر نمایش بخش اعظمی از بنای نظرگاهی کوشک در نگاره، ارتفاع بنا نیز به صورت اغراق‌آمیزی زیاد است تا بتواند هر چه بیشتر از منظر بهره‌مند گردد.

با وجود نمایش کل باغ یا بخشی از باغ که ارتباط سردر و کوشک را نیز به نمایش می‌گذارد، برخلاف عقیده حاکم مبنی بر وجود محور مستقیم، این محور و هندسه منظم در تصویر دیده نمی‌شود. گویی در نگاره‌های این‌چنینی چیزی که مهم است نشستن و نظاره طبیعت توسط استفاده‌کنندگان است نه نظم هندسی که امروزه برای باغ ایرانی متصوریم. در این بین نگارگر با تصویرسازی حداکثری از بنای نظرگاهی کوشک به عنوان مهم‌ترین عنصر از باغ ایرانی مقصود خود از نمایش باغ را به روشی متفاوت به مخاطبش انتقال می‌دهد.

Archive of SID

www.SID.ir

تصویر ۱. مجلس گلنار و اردشیر از شاهنامه بایسنقری، ۸۳۳ هـ.ق. کتابخانه سلطنتی گلستان. مأخذ : تجویدی، ۱۳۸۶: ۱۰۷.

Fig1. "Ardeshir and Golnar, Baisonghor Shahnameh", 833. AH., Golestan Royal Library. Source: Tajvidi, 2007: 107.

تصویر ۲. پند پدر درباره عشق، مجلسی از هفت اورنگ جامی، قزوین یا مشهد، سال‌های ۹۷۳-۹۶۴. واشنگتن، نگارخانه فری‌یر. مأخذ : کورکیان، ۱۳۷۷: ۱۱۸.

Fig.2. "Father's advice on love", Chamber of Haft Orang-e Jami, Qazvin or Mashhad, 964-973.Washington, Freire gallery. Source: Kourkiaan, 1998: 118.

تصویر ۳. بزم خسرو و شیرین، صفویه ۹۴۷هـ.ق، مکتب تبریز، خمسه شاه طهماسب. مأخذ : کری ولش، ۱۳۸۴: ۷۹.

Fig. 3. "Bazm-e Khusraw and Shirin", The Safavids, 947.AH., School of Tabriz, Khamsa of Shah Tahmasp. Source: Cary Welch, 2005: 79.

تصویر ۴. باربد در مجلس بزم خسرو پرویز عود می‌نوازد از شاهنامه طهماسبی، تبریز، حدود ۹۴۷. لندن، کتابخانه بریتانیایی. مأخذ :کورکیان، ۱۳۷۷: ۱۱۳.

Fig4. "Barbad plays for Khusraw Parviz", Tahmasebi Shahnameh, Tabriz, about 947. London, British Library. Source: Kourkiaan, 1998: 113.

www.SID.ir

جدول ۱. جدول توصیفی تصویر ۱تا۴ از راست به چپ. مأخذ : نگارندگان.

Table 1. Descriptor table for Images from left to right. Source: authors.

ردیف	نگارگر	ویژگی	تحلیل تصویری
تصویر ۱	----	-کوشک و صفه آن عنصر اصلی نگاره -نظاره باغ از طبقه فوقانی کوشک -بهره‌مندی از منظره آب و گیاه	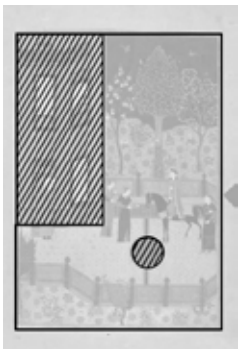
تصویر ۲	قابل انتساب به میرزا علی (میانه سده دهم)	-کوشک در راستای محور باغ -آمیختگی فضای کوشک با طبیعت -وجود آب و گیاه در منظر اصلی	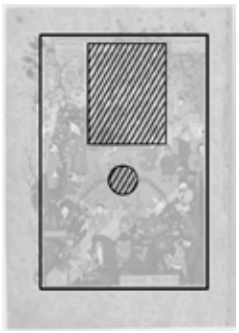
تصویر ۳	منسوب به آقا میرک	-نقش یکی از ایوان‌های کوشک و صفه روبروی آن به طور کامل در محوریت نگاره -وجود حوض آب و درختان سرو در پس کوشک -نظاره مناظر طبیعی از ایوان و زندگی اجتماعی جاری در باغ	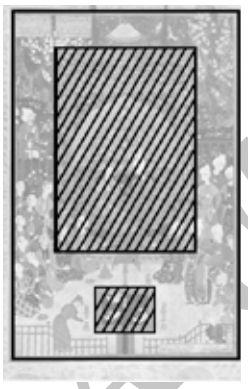
تصویر ۴	منتسب به میرزا علی (میانه سده دهم)	-شاخص بودن زیاد کوشک و ایوان در کلیت نگاره - وجود حوض آب و درختان سرو در پس کوشک - عناصر ایوان و طبقه فوقانی کوشک هر دو فضایی برای نظاره باغ	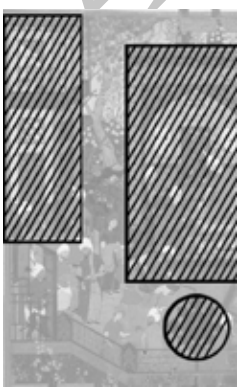

در تحلیل‌های تصویری نگاره‌ها؛ قسمت‌های هاشور خورده تصویر بنای نظرگاهی و حوض آب (دو عنصر اصلی از باغ ایرانی) است، مابقی تصویر به عبارتی بخش خالی آن،فضای باغ شامل درختان و پوشش گیاهی و انسان‌ها است. از این تصاویر به خوبی روشن است که در نگاره‌های مربوط به باغ، تعامل بین کوشک و طبیعت ملموس بوده و عناصر معماری و بناها بخش اعظم نگاره‌ها را به خود اختصاص .نداده‌اند بلکه نگاره باغ ایرانی ترکیبی است موزون میان کوشک، آب، پوشش گیاهی و انسان

Archive of SID

www.SID.ir

تصویر ۵. مجلس آصف عهدست، سده ۱۱ هـ.ق، مرقع گلشن. کاخ گلستان. مأخذ : سلطانزاده، ۱۳۸۷: ۸۹.

Fig. 5. "Majles of Asif Hdyst", 11 AH., Moraghae Gulshan, Golestan Palace, Tehran, Iran. Source: Soltanzadeh, 2008: 89.

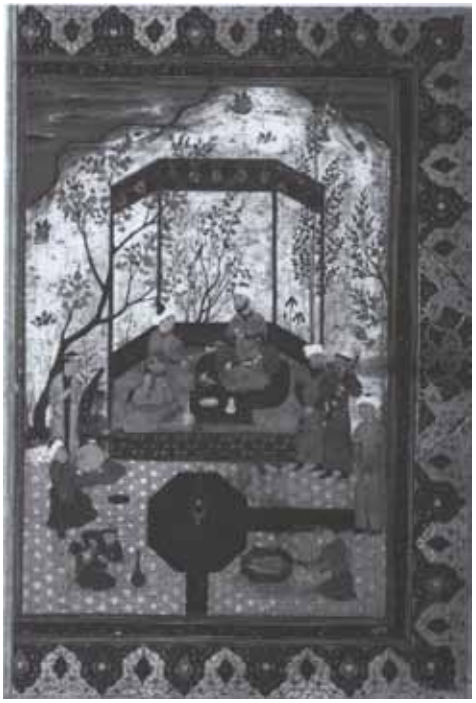

تصویر ۷. مجلس در طبیعت (نیمه راست)، ۹۲۸هـ.ق.، پنج گنج، کاخ گلستان. مأخذ : سلطانزاده، ۱۳۸۷: ۱۳۳.

Fig.7. "Majles in nature" (right half), 928 AH., Panj Ganj, Golestan Palace, Tehran, Iran. Source: Soltanzadeh, 2008: 133..

تصویر ۶. نبود طبیب، خمسه نظامی، دوره صفویه. مأخذ : کری ولش، ۱۳۸۴: ۷۰.

Fig. 6. "Nabud-e Tabib", Khamsa of Nizami, Safavids. Source: Cary Welch, 2005: 70.

تصویر ۸. هتک حرمت بوستان، هفت اورنگ جامی، بین سال‌های ۹۶۴ تا ۹۷۳ هـ.ق. واشنگتن، نگارخانه فریر. مأخذ : کورکیان و همکاران، ۱۳۷۷: ۱۲۲.

Fig.8. "Hatke Hormat-e Bostan", Haft Orang-e Jami, between the years 964 to 973 AH., Washington, Freire gallery. Source: Kourkiaan, 1998: 122.

www.SID.ir

جدول ۲. جدول توصیفی تصویر ۵تا۸ از راست به چپ. مأخذ : نگارندگان.

Table 2. Descriptor table for Images from left to right. Source: authors.

ردیف	نگارگر	ویژگی	تحلیل تصویری
تصویر ۵	----	-نقش آلاچیق با پلان مربع بر روی سکو و حصار پیرامون آن -استقرار کوشک موقت در طبیعت بکر و استفاده از آن برای نظاره و لذت از باغ -حوض و جوی‌های آب	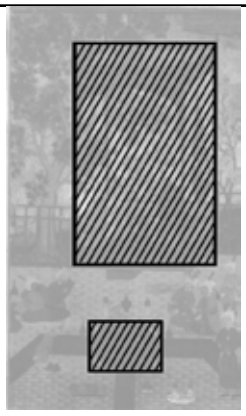
تصویر ۶	منسوب به آقامیرک	-نقش آلاچیق با پلان مربع بر روی سکو -نقش بخشی از حصار و ورودی باغ بدون حضور نظم حاکم بر باغ -حوض‌ها و جوی آب	
تصویر ۷	مقصود	-نگاره با مرکزیت آلاچیق هشت‌ضلعی و صفه مفروش روبروی آن - وجود عنصر آب و طبیعت بکر در پس کوشک موقت	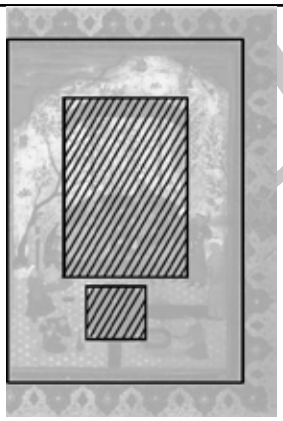
تصویر ۸	----	-آلاچیق منفرد شش‌ضلعی در میان درختان سرو و انبوه طبیعت بکر -نقش سردر ورود به باغ -عدم نمایش نظم کلی حاکم بر باغ	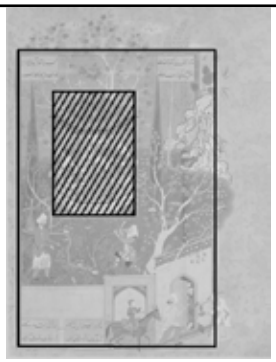

Archive of SID

www.SID.ir

تصویر ۹. همایون در مقابل کاخ همای، بغداد حدود ۷۹۹ هـ‌ق، دیوان خواجوی کرمانی، کتابخانه بریتانیایی لندن. مأخذ : کنبای، ۱۳۸۹: ۴۴.

Fig9. "Homayoun in front of Homay's Palace", Baghdad about 799 AH., Divan-e Kajooye Kermani, London, British Library. Source: Canby, 2010.

تصویر ۱۰. خسرو در زیر پنجره کاخ شیرین از خمسه نظامی، تبریز، حدود ۹۰۱ هـ‌ق، مجموعه کایر. مأخذ : کورکیان و همکاران، ۱۳۷۷: ۱۰۰.

Fig10. "Khusraw and Shirin's palace", Khamsa of Nizami, Tabriz, about 901 AH., Kayr, Source: Source: Kourkiaan, 1998: 100.

جدول۳. جدول توصیفی تصویر ۹ و ۱۰ از راست به چپ. مأخذ : نگارندگان.

Table 3. Descriptor table for Images from left to right. Source: authors.

ردیف	نگارگر	ویژگی	تحلیل تصویری
تصویر ۹	----	-موقعیت نظرگاهی کوشک و بهره‌مندی توأمان از فضای داخل و خارج باغ -نقش بخشی از حصار و ورودی باغ	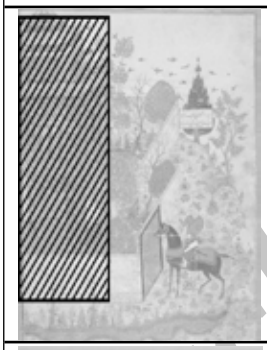
تصویر ۱۰	----	-ارتفاع اغراق‌آمیز کوشک نسبت به دیوار باغ نشانه اهمیت تسلط منظرین در باغ -نمایش بخشی از صفه به همراه حوض آب روبروی عمارت	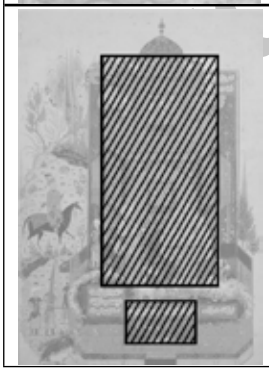

نتیجه‌گیری

طرح‌ریزی باغ‌ها همواره با ایجاد کاخ، کوشک، ایوان و مانند آنها همراه بوده، به نحوی که تنظیم صفه‌بندی‌های روبروی عمارت اصلی باغ، تعیین شکل و جایگاه حوض و استخر آب با آنها سنجیده می‌شده است. در عین حال این عناصر از جمله بارزترین عناصر باغ ایرانی نیز هستند که در نگاره‌های بررسی شده خودنمایی می‌کنند. طراحی کوشک همواره آمیخته با فضای باز انجام می‌شده است و کوشک‌ها برای استفاده از فضای باز دارای بالکن‌های متعدد در جهات مختلف بودند و دید اصلی کوشک، معمولا به سمت حوض آب یا استخر و عناصر طبیعی بوده است. در نگاره‌های بررسی شده اگرچه بسیاری از ویژگی‌ها از جمله نظم هندسی باغ ایرانی به چشم نمی‌خورد ولی عنصر اصلی باغ یعنی کوشک که ویژگی مشترک همه آنها برخورداری از بهترین دید و منظر در باغ است، می‌تواند دلیل محکمی بر مقصود نگارگر از تصویر کردن باغ ایرانی باشد، که این پاسخی به سؤال اولیه مقاله است. در این راستا از بین تمامی عناصر باغ ایرانی مانند آب، پوشش گیاهی، انسان و ...، وجود عنصری که برای بهره‌گیری از منظر باشد نظیر ایوان، کوشک، صفه، چادر و مانند آن یا در یک کلام "نظرگاه"

www.SID.ir

بیشترین حضور را در این نگاره‌ها دارد. در نتیجه فرض مقاله مبنی بر اینکه "نظرگاه" مهم‌ترین عنصر تصویر شده از باغ ایرانی در نگاره‌های باغ است به اثبات می‌رسد. هنر مسحورکننده نگارگری توجه و مطالعه دقیقی می‌طلبد زیرا نگارگر، هنرمند خلاق و مبدعی است که با بیشترین تصویرسازی‌ها از بنای نظرگاهی باغ در نگاره‌هایش، انتخاب زاویه دید و نوع خاصی از منظر باغ، و چگونگی لذت از تماشای باغ را به عهده خود مخاطب می‌سپارد تا او از دریچه چشم خود نظاره‌گر جمال باغ ایرانی و مختار در تفریح و تفرج در آن باشد. مطالعه و تحقیق بیشتر در مورد نگاره‌های ایرانی که فضای باغ را به نمایش می‌گذارند مطمئنا دیدگاه‌های جدیدی برای شناخت پدیده باغ و زیبایی‌شناسی ایرانی در طراحی و استفاده از فضا می‌گشاید.

پی‌نوشت‌ها

۱. منظور از واژه "نظرگاه" در تمامی بخش‌های مقاله حاضر، عناصر معماری با کارکردی تقریباً مشابه نظیر کوشک، صفه، ایوان، بالکن، اشکوبه و... است که در ارتفاعی بالاتر از سطح زمین برای ایجاد دید و منظر مطلوب به کار برده می‌شده است. / ۲. Quincunx

۳ و ۴. R. Pinder-Wilson, "The Persian Garden; Bagh and Chahar-Bagh", 72.

فهرست منابع

• بهشتی، سید محمد. ۱۳۸۷. جهان باغ ایرانی. *فصلنامه گلستان هنر*، ۴ (۲) :۱۲-۸.
• بینیون، لارنس. ۱۳۸۵. کیفیات زیبایی در نقاشی ایرانی. ت : مهدی مقیسه، در *نقاشی ایران از دیرباز تاکنون*، پاکباز، رویین. تهران : زرین و سیمین.
• پاکباز، رویین. ۱۳۷۸. *دایره‌المعارف هنر*. تهران : فرهنگ معاصر.
• پروا، محمد. ۱۳۸۲. تقابل فضا در نگارگری و معماری ایرانی با نگرشی موضوعی به اقلیم هشتم. *سومین کنگره تاریخی معماری و شهرسازی ایران*، جلد ۱.
• پورجوادی، نصرالله. ۱۳۷۵. *رؤیت ماه در آسمان*. تهران : مرکز نشر دانشگاهی.
• تجویدی، اکبر. ۱۳۸۶. *نگاهی به هنر نقاشی ایران* (از آغاز تا سده دهم هجری). سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
• جوادی، شهره. ۱۳۸۳. منظره‌پردازی در نگارگری ایرانی. *فصلنامه باغ‌نظر*، ۱ (۱) : ۳۵-۲۵.
• حیدرنتاج، وحید. ۱۳۸۹. *باغ ایرانی*. تهران : دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
• سلطان‌زاده، حسین. ۱۳۸۷. *فضای معماری و شهری در نگارگری ایرانی*. تهران : چهارطاق.
• شایگان، داریوش. ۱۳۷۹. *بتهای ذهنی و خاطره ازلی*. امیرکبیر : تهران.
• کری ولش، استوارت. ۱۳۸۴. *نقاشی ایرانی (نسخه نگاره‌های عهد صفوی)*. ت : احمدرضا تقاء. تهران : انتشارات فرهنگستان هنر.
• کفشچیان مقدم، اصغر و یاحقی، مریم. ۱۳۹۰. بررسی عناصر نمادین در نگارگری ایران. *فصلنامه باغ نظر*، ۸ (۱۹) : ۷۶-۶۵
• کلارک، کنت. ۱۳۷۰. *سیر منظره‌پردازی در هنر اروپا*. ت : بهنام خاوران. تهران : نشر ترمه.
• کنبای، شیلا. ۱۳۸۹. *نگارگری ایرانی*. ت : مهناز شایسته‌فر. تهران : انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
• کورکیان، ا.م.، سیکر. ژ.پ. ۱۳۷۷. *باغ‌های خیال (هفت قرن مینیاتور ایران)*. ت : پرویز مرزبان. تهران : فرزان.
• گودرزی، مصطفی و کشاورز، گلناز. ۱۳۸۶. بررسی مفهوم زمان و مکان در نگارگری ایرانی. *هنرهای زیبا*، (۳۱) : ۱۰۱-۸۹.
• عالمی، مهوش. ۱۳۸۷. باغ‌های شاهی صفوی، صحنه‌ای برای نمایش مراسم سلطنتی و حقانیت سیاسی. ت : مریم رضایی‌پور و حمیدرضا جیحانی، *فصلنامه گلستان هنر*، ۴ (۲) : ۶۸-۴۷.
• علائی، علی. ۱۳۸۷. کوشک‌های مطبّق در باغ‌های ایرانی. *فصلنامه گلستان هنر*، ۴ (۱) : ۶۷-۵۵.
• منصوری، سید امیر. ۱۳۸۴. در آمدی بر زیبایی‌شناسی باغ ایرانی. *فصلنامه باغ نظر*، ۲ (۳) : ۶۳-۵۸.
• نامور مطلق، بهمن. ۱۳۸۲. باغ حسن، طبیعت گیاهی و صور خیال. *خیال*، (۷) : ۱۹-۴.
• ویلبر، دونالد. ۱۳۸۷. *باغ‌های ایران و کوشک‌های آن*. ت : مهین‌دخت صبا. تهران : شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

Reference List

• Alai, A. (2008). Multi- Story Pavilions in Iranian/ Persian Gardens. Golestan- e Honar, 4 (1): 55-67.
• Alemi, M. (2008). Princely Safavid Gardens: Stage for Rituals of Imperial Display and Political Legitimacy. Translated by Rezaiepour, M. &
• Beheshti, S. M. (2008). The World of Persian Garden. Golestan- e Honar, 4(2): 8-12.
• Bynyvn, L. (2006). Aesthetic qualities in Persian paintings. Translation: Moghiseh, M. In Persian Painting from Past to Now, Written by Pakbaz, R. Tehran: Zarrin and Simin Publication.
• Canby, Sh. (2010). Persian Miniature Painting. Translated by Shayesteh far, M. Institute for Studies in Islamic Art.
• Cary Welch, S. (2005). Persian Painting, Safavid Manuscripts. Translated by: Taghaa, A. R. Tehran: The Iranian Academy of Art Publication.
• Clark, K. (1991). Landscape into Art. Translated by: Khavaran, B. Tehran: Termeh.
• Goudarzi, M. & Keshavarz, G. (2007). Sense of time and place in Persian painting. Journal of Honar- haye Ziba, (31): 89-101.
• Heidar Nattaj, V. (2010). Persian Garden. What Do I Know About Iran? Tehran: Cultural Research Bureau.
• Javadi, Sh. (2004). Landscape in the Miniatures of Iran. Bagh- e Nazar, 1(1): 25-37.
• Kafshchian Moghadam, A. & Yahaghi, M. (2011). Symbolic Elements in Persian Painting. Bagh-e Nazar, 8 (19): 15-26.
• Kourkiaan, A. & Ciker, Zh. (1998). Imaginary Gardens (Seven centuries of Persian miniatures). Translated by Marzban, P. Tehran: Farzan.
• Mansouri, S. A. (2005). An Introduction to the Esthetics of Iranian Garden. Bagh-e Nazar, 2 (3): 58-63.
• Namvar Motlagh, B. (2003). Hosn Garden, Herbal Nature and Imagery. Khiyal (7): 4-19.
• Pakbaz, R. (1999). Art Encyclopedia. Tehran: Farhang- e Moaser Publication.
• Parva, M. (2003). Interaction of Space in Persian painting and architecture with thematic approach to Eghlim- e Hashtom. The third Historical Congress of Iran Architectural and Urban Design, Vol.1.
• Pinder Wilson, R. (1976).The Persian Garden: Bagh and Chahar Bagh. In *The Islamic Garden,* Ed. E. B. Macdougall and R. Washington, D.C: Ettinghausen.
• Pour Javadi, N. (1996). Sighting the moon in the sky. Tehran: Center for Academic Publication.
• Soltanzadeh, H. (2008). Urban and Architectural Spaces in Iranian Painting. Tehran: Chahar-Tagh.
• Shayegan, D. (2000). Mental idols and eternal memory. Tehran: Amirkabir.
• Tajvidi, A. (2007). Review of the Iranian Painting Art (From Beginning to the tenth century AD). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
• Wilber, D. (2008). Persian Gardens and Garden Pavilions. Translated by Saba, M. Tehran: Cultural and Scientific.

www.SID.ir

"Nazargah", the main element of Persian garden in the illustration of the gar dens in Persian paintings

Saeide Teimouri gordeh*
Vahid Heidarnattaj**

Abstract

Garden and gardening convey wide range of meanings in Iranian culture so that the Iranian world is full of the manifestation of gardens and nature. Persian garden can be deemed as the most admirable outcome of aesthetic and naturalistic principles of Iranian culture, which can be traced in variety of Iranian arts such as pottery, tile work, carpet, music, poetry, literature and Persian miniature. Among these, the art of miniature is one of the main arenas for multiple imaging of Persian Garden. Miniature has been the subject of several surveys. There are many research works on fine art in which the miniature works have been examined in different fields such as aesthetic, technical, historical ones from the art of painting viewpoint. What differentiates the present study is that it approaches the art of miniature and Persian garden from the Iranian landscape architectural standpoint. Given the paucity of similar works in this field, studies like this may have considerable potential in proposing novel theories pertinent with miniature works that picture Persian garden. This also helps improving our knowledge of Persian garden in different historical periods. Miniature works constitute a notable portion of historical documents and visual sources. Knowing that the subject of the works is based on the observations of the artist, these works cannot be isolated from the realities of their environment at the time of creation. However, there are other factors to take into account including natural limitation of painting work, prevailing style at the time, and the artist's attitudes. Thus, to achieve better results through the survey of the relationship between Persian garden and miniature, some of the pertinent miniature works were needed to be examined along with library research. In majority of miniature of indoor design of houses, castles, and mansions, the main object in the work is the building and notable persons. These works are easily notable and differentiable from the miniature of outdoor spaces and those that picture a garden in particular. A common element in majority of miniature of outdoor spaces is the Nazargah, which plays the main and an outstanding role. The present study assumes that picturing the general design of the garden and the key geometric features of the structure were not the intention of the artist, so copying the actual design of the garden was the last intention of the artist. In fact, by picturing pavilion and Ivan– as the main elements in Persian garden, the artist has tried to employ external and internal landscapes of the garden to create a different and with more details picture of Persian garden. The purpose of this article is to identify the main manifestation of Persian garden in the miniatures with pertinent subject. To achieve this, some of miniature works from different historical periods have been examined (to avoid one-dimensional approach of a specific period). Trivial changes in the concept and design of Persian garden cause no problem in surveying the miniature works from different periods as the concept and image of Persian garden have survived the ups and downs of ages. The question raised by this study is "what is the most outstanding and noticeable elements of Persian garden in the miniatures of garden?" To answer this, the environment, nature, and garden in the miniatures were first assumed as the bases of the study. Afterward, by analyzing 10 miniatures and comparing the results with library resources and documents (descriptive-analytical method) different manifestation of Persian gardens in the miniatures were divided into three; 1- Pavilion garden, 2- Bagh Chador/ tent garden, and 3- pavilion (as the viewpoint of the garden to external landscape). Gardens design has been always featured with palaces, pavilion and Ivan so that the design, shape, and location of pools, water display, and Sofe at the entrance were based on these main elements. Furthermore, these elements are the key elements in the miniature works of Persian gardens. The design of pavilion has been always a mixture of open spaces with several balconies at different directions to permit use of the open space. The pool or water display and other natural elements were the main elements viewed from the pavilion. Although the geometric symmetry of the garden are absent in the miniature, still the presence of the main element (i.e. pavilion, which have the best view in the garden) argues that the aim of the artist was to picture Persian garden; this is an answer to the question of the study. In this regard, among the all elements of Persian garden such as water, plants, human, etc., the most featured elements are the structures designed to enjoy the view such as pavilion, Ivan, Sofe, tent, and so on (in general term "Nazargah"). This supports the hypothesis of the study which states "Nazargah as the main pictured elements in the miniature of Persian garden."

Keywords

Persian painting/ miniature, Persian garden, nature, perspective and landscape, Nazargah, pavilion and Ivan.

*. M.A. in Landscape Architecture, Imam Khomeini International University of Qazvin.
sahar.teimouri@gmail.com
**. Ph. D. in Architecture, Assistant Proffessor, University of Mazandaran. v.nattaj@yahoo.com

Archive of SID

www.SID.ir